

## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره

تاریخ: ۱۵ مهر ۱۳۹۷

موضوع جزئی: آیه ۲۵\_ مفردات\_ اصطلاحات قرآنی بهشت

مصادف با: ۲۷ محرم ۱۴۴۰

جلسه: ۲

### ﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

#### اصطلاحات قرآنی بهشت

عرض کردیم در مورد مفردات آیه بیست و پنج که جَنَّتْ یا جَنَّات به چه معناست و درباره معانی مختلف آن در لغت و تناسبی که معنای لغوی و اصطلاحی در اکثر این موارد دارد را توضیح دادیم.

اما درباره جَنَّتْ یک توضیح اجمالی عرض می‌کنم و الا اگر بخواهیم در مورد موضوع بهشت اینجا سخن بگوییم؛ بحث مبسوطی است. یکی از موضوعاتی که در قرآن درباره آن چیزی حدود دویست آیه نازل شده همین موضوع بهشت است و جهنم که در مقابل بهشت است آن هم آیات زیادی در قرآن دارد.

موضوعات مختلفی درباره بهشت و جهنم قابل بررسی است، مثلاً از مشترکاتی که درباره بهشت و جهنم لازم است بحث شود، بحث از مخلوق بودن بهشت و جهنم است به علاوه هر کدام مباحث اختصاصی دارند از جمله نام های جَنَّتْ، مراتب جَنَّتْ، انواع آن، اوصاف آن، یکی دیگر از مباحث مشترک مادی و جسمانی بودن بهشت و جهنم است که در آن اختلاف نظر است، مثلاً از برخی از روایاتی که شیخ صدوق نقل کرده استفاده میشود که بهشت و جهنم روحانی اند، نه مادی و این مورد اعتراض شیخ مفید قرار گرفته و شیخ مفید براین نظر تاخسته است که بهشت و جهنم هم جسمانی اند هم روحانی و برهان برای این نظر اقامه می‌کند؛ به هر حال مادی یا روحانی بودن بهشت و جهنم از مباحثی است که باید درباره آن بعداً به مناسبت بحث شود.

در خصوص جنت بحث های خاصی هم وجود دارد؛ آنچه که بنده عرض می‌کنم اشاره مختصری به اصطلاحاتی است که در قرآن درباره جنت و بهشت وارد شده است. به طور کلی شاید چیزی حدود دویست آیه درباره بهشت در قرآن آمده است، عبارت «جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» با همین تعبیر ۱۹ بار در قرآن بکار رفته؛ با اضافه «لَهُمْ» ۸ بار دیگر هم تکرار شده. یعنی ۲۷ مرتبه این کلمه در قرآن آمده است، بعضاً هم لفظ جنت به صورت مفرد آمده است، اما از مجموع آیات بر می آید که جنت انواع و اقسامی دارد، حداقل از آیات سوره الرحمان ۴ جَنَّتْ استفاده می شود «لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ»؛ در آیه دیگر دارد «وَمِنْ دُونِهَا جَنَّاتٌ» یعنی چهار جنت و چهار بهشت در همین چند آیه به صراحت بیان شده. حال اینکه این جنت ها و انواعی که برای آنها بیان شده آیا این ها مَبِیِّنِ مراتب جنت اند، که مشهور

هم همین است که بالاخره بهشت دارای مراتب است تقریباً بسیاری از این مراتب، هم در قرآن و هم در روایات از آن سخن به میان آمده است.

مسأله عمده این است که انسان‌ها به میزان اکتساب ایمان و برخورداری از عمل صالح و درجه خلوص ایمانی و عملی و قربی که به حق تعالی پیدا می‌کنند، در عالم آخرت در بهشت قرار می‌گیرند. این تفاوت مراتب همه تابع ایمان و اعتقاد و عمل انسان‌ها است، چون به طور کلی آنچه که در آخرت برای انسان پیش می‌آید بازتاب اعمال خود انسان است قهراً روح و قلب و جانی که در این دنیا آلودگی کمتری داشته باشد، قابلیت حضور در مراتب بالاتر بهشت را دارد، مخصوصاً امراض روحی و درونی در این جهت خیلی تعیین کننده است. بله، اعمال ظاهری معیار برای ثواب و عقاب است، ولی ریشه اعمالی که از انسان سر میزند همان باطن و روح است. حتماً روحی که آلوده به حسد و کینه و دورویی و دروغ است و قلب و جانی که با این زشتی‌ها خو گرفته نمی‌تواند در بهشت قرار گیرد. اما به هر حال هم جنبه ایجابی و هم جنبه سلبی در این مسأله مهم است. اگر روحی تصفیه کامل نشده باشد یا مراتب پایین از این طهارت‌ها و پاکی‌ها را کسب کرده باشد قهراً در مرتبه پایین‌تری از بهشت قرار می‌گیرد.

اگر انسان خودش را بسنجد و تأمل در این معنا کند و کاری به قضاوت دیگران نداشته باشد، میتواند جای خودش را در بهشت و مرتبه خودش را در بهشت بداند. بله، در بهشت جز خوبی و خیر نیست، انسان باید بسنجد و ببیند چه مقدار جاننش از این آلودگی‌ها عاری و تهی شده است، این که می‌گویند «خسرالدنیا والآخرة» معنایش این است که ممکن است کسی خودش را در اینجا در محدودیت قرار بدهد و بخاطر دیگران کارهایی را نکند، ولی در درونش این پلیدی‌ها وجود داشته باشد. خودش را از لذت‌های دنیا محروم کرده قهراً چون آن آلودگی‌ها را هم دارد؛ این در آخرت هم گرفتار خسران میشود.

علی‌ای حال شاید چیزی حدود ۱۰ عنوان برای بهشت در قرآن ذکر شده که به صورت خلاصه بیان می‌کنم و برای هر کدام به آیه‌ای اشاره خواهم کرد.

۱. «جَنَاتُ عَدْنٍ»، عدن در لغت به معنای استمرار و ثبات است. «جَنَاتُ عَدْنٍ» یعنی جَنَاتِ جاودانگی، جنات ثبات و بقاء، که طبق نظر برخی این بالاترین مرتبه از جَنَّت است و طبق برخی از روایات مشرف به سایر بهشت‌هاست؛ ساکنین مراتب بالای بهشت می‌توانند به مادون رفت و آمد کنند، اما مراتب مادون نمی‌توانند به مراتب فوق بروند چون این یک قابلیت و استعدادی می‌خواهد که این استعداد فراهم نشده است.

البته برخی گفته اند که جنات عدن جایگاهی است در بهشت که باغ های متعددی دارد، ولی حق همان است که «جنات عدن» یعنی جنات جاودانگی و بقاء؛ این می تواند به غیر از بیان مراتب بهشت، به یک وصفی از اوصاف بهشت اشاره هم داشته باشد. «جَنَاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى»<sup>۱</sup>

. «جنت الفردوس» هم در برخی آیات آمده است، فردوس به معنای «گسترده‌گی» است؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا»<sup>۲</sup> یعنی جنت وسیع و گسترده.

۳. «جنت الخلد»، خلد به معنای بقاء و جاودانگی است. «قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ»<sup>۳</sup> آیا این برای شما بهتر است یا آن جنت الخلدی که متقین به آن وعده داده شده اند.

۴. «جنت النعیم»، نعیم به معنای نعمت فراوان است. «جنت نعیم» در واقع یعنی بهشتی که دارای نعمت های فراوان است مثل این آیه که خداوند در سوره شعرا می فرماید: حضرت ابراهیم به درگاه خداوند دعا می کند و درخواست می کند که: «وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ»<sup>۴</sup>. از جمله مباحثی که باید مورد بررسی قرار بگیرد مسأله وراثت در بهشت است که آیا هر کدام از این جنت ها به وراثت میرسند یا خیر، مسئله وراثت جنات خودش یک موضوعی است که باید بررسی شود.

۵. «جَنَاتُ الْمَأْوَى»، مثل آیه «فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا»<sup>۵</sup> دقیقاً مانند «كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا» یعنی بهشتی که مؤمنان به آن پناه می برند. در بسیاری از این آیات «جَنَاتُ» برای «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» آمده است. اگر دقت کنید می بینید این ها همه برای ایمان و عمل صالح است.

۶. «روضة»، مثل: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ»<sup>۶</sup>. یا این آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ»<sup>۷</sup>، به یک باغ سر سبز و خوش منظره و مسرت بخشی که محدود است روضة می گویند ، یا میتواند یک بخشی و شعبه ای از شعب جنت باشد، «رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ» یعنی فرح بخش ترین قسمت جنت، اگر به جنت اضافه شود این یک شعبه ای از شعب بهشت است. اگر مطلق بیاید میتواند مساوی یا مرادف مفهوم بهشت هم باشد.

۱ . سوره طه: آیه ۷۶.

۲ سوره طه: آیه ۱۰۷.

۳ سوره فرقان: آیه ۱۵.

۴ سوره شعراء: آیه ۸۵.

۵ سوره سجده: آیه ۱۹.

۶ سوره روم: آیه ۱۵.

۷ . سوره شوری، آیه ۲۲.

۷. «دارالسلام»، یعنی محل سلام و سلامت و پیراستگی از آفات ظاهری و باطنی مثل آیه: «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۱</sup>.

۸. «دارالمقامه»، یعنی دار مسکن و اقامت. مقامه در لغت به معنای اقامت کردن و مسکن گزیدن است، مثل آیه: «الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَّا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ»<sup>۲</sup>.

۹. «مقام آمین»؛ یعنی یک جایگاهی که هیچ گزندی به ساکنان آن و کسانی که در این جایگاه هستند نمی‌رسد، مثل: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ آمِينَ»<sup>۳</sup>.

۱۰. «مَقْعَدُ صِدْقٍ»، یعنی محل و موقعیتی که در آن صدق است. این معنایش این است که هیچ سختی و دوری در آن نیست و حزن و اندوه هم در آن راه ندارد، مثل: «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ»<sup>۴</sup>.

برخی تعابیر دیگر هم هست که ممکن است به عنوان اسم برای بهشت و جهنم شناخته نشود و بیشتر به عنوان وصف باشد هر چند اینها که اسم معروف بهشت هم هستند در واقع از آنها توصیف بهشت هم بدست می‌آید، اما عرض کردم در آینده انشاءالله درباره بهشت به نحو مبسوط بحث خواهیم کرد، یا در ضمن آیات و یا به نحو موضوعی و این به صورت موضوعی بهتر است، چون در این صورت ده الی بیست موضوع فرعی قابل رسیدگی است.

اما اجمالاً با توجه به این آیاتی که بیان شد میتوانیم بگوییم غیر از اینکه این نام‌ها در واقع برخی میتواند اشاره به مراتب بهشت داشته باشد، مثلاً «جنت رضوان» یا «جنت القرب» در اصطلاح قرآن... (البته بزرگان و عرفا اصطلاحاتی دارند که برگرفته از روایات است مثل: «جنت الاعمال»، «جنت الأخلاق»، «جنت القرب»، «جنت الرضوان» که باید به تفصیل درباره آن سخن گفت). با قطع نظر از آن اصطلاحات خاص و تعابیر آن، اشاره به اوصاف و خصوصیتی است که در بهشت است. به تناسب آیاتی که قبل ذکر شده، معمولاً آن جلوه و آن جنبه برجسته شده که به آیات قبل مرتبط است، مثلاً در مورد کسانی که به دنبال هوس‌های فانی و اغراض فناپذیر هستند، خداوند می‌فرماید: «قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ» یعنی این لذت‌هایی که فانی هستند بهتر اند یا جنت الخلد که باقی است و فنا ناپذیر.

یا مثلاً در مورد جنت المأوی که می‌گوید مأوی و پناهگاه مؤمنین و صالحین است، میخواهد این را القا کند که هیچ پناهی بهتر از جنت نیست، پناه بردن به هر چیزی غیر خدا و جنت وعده داده شده بی ارزش است.

پس معلوم شد هر یک از این عناوین ده‌گانه اشاره به یک خصوصیت و یک بعد از ابعاد بهشت دارند البته در ضمن اینکه برخی از این‌ها مبین مراتب بهشت هم هستند.

<sup>۱</sup> سوره انعام: آیه ۱۲۷.

<sup>۲</sup> سوره فاطر: آیه ۳۵.

<sup>۳</sup> سوره دخان: آیه ۵۱.

<sup>۴</sup> سوره قمر: آیه ۵۴-۵۵.

#### ۶. «أنهار»

مفرد دیگری که در اینجا وجود دارد «أنهار» است و نهر به رودخانه های بزرگ می گویند و از دریا کوچک ترند.

#### ۷. «تجری»

تجری هم معنایش روشن است. «تجری» در اینجا جریان را به «نهر» نسبت داده مجازاً، جریان برای آب است نه برای نهر، ولی اسناد تجری به أنهار، اسناد مجازی است. وجه آن هم این است که معمولاً این اسناد مجازی وقتی بکار می رود که نهر لب به لب پر از آب باشد، مانند ناودان وقتی که باران شدید می آید می گویند: «جَرَى المیزاب»؛ و این مجاز وقتی به کار می رود که آنقدر آب پر شده که کأن ناودان دارد حرکت می کند، این «تجری من تحته الأنهار» هم از این باب است و اسناد جریان به نهر برای این است که این نهر آنقدر در آن آب است کأن به نظر میرسد که خود نهر در حال حرکت است.

#### بحث جلسه آینده

انشاء الله بقیه مفردات جلسه بعد.

«والحمد لله رب العالمین»